

دیدگاه علامه طباطبایی درباره شباهت وضعیت تورات با روایات اسلامی

عضو هیئت علمی گروه ادیان مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) اظهار کرد: علامه طباطبایی نگفته که وضعیت تورات مانند روایات است؛



عضو هیئت علمی گروه ادیان مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) اظهار کرد: علامه طباطبایی نگفته که وضعیت تورات مانند روایات است؛ یعنی هرچه با قرآن منافات ندارد، قابل تأیید و مابقی قابل رد است ولی از مجموعه نظرات او و تصریح برخی شاگردانش چنین مسئله ای برمی آید.

ارسال/ دیدگاه علامه طباطبایی و شاگردان ایشان در مورد شباهت وضعیت تورات با روایات اسلامی گزارش ایکن، حجت‌الاسلام والمسلمین حسین نقوی، عضو هیئت علمی گروه ادیان مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، شامگاه ۲۲ آبان در نشست علمی «حدیث تورات با تکیه بر دیدگاه علامه طباطبایی و شاگردان» با بیان اینکه تورات شبیه مجموعه روایات در اسلام است، گفت: لازمه حرف علامه طباطبایی و شاگردانشان این است که تورات شبیه روایات در اسلام و قابل عرضه به قرآن است؛ گرچه تصریح نکرده اند. آیت الله جوادی آملی می گوید می توان تورات را مانند روایات به قرآن عرضه کرد. علامه طباطبایی چنین تصریحی ندارد، ولی از مجموعه آثار وی همین استخراج می شود.

وی افزود: براساس آیه ۴۴ مائده «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ ۚ فَلَا تَخْشَوْنَ النَّاسَ وَآخِشَوْنَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» و مقایسه آن با سایر آیات مرتبط تصور ما این است که تورات و قرآن مانند هم هستند؛ یعنی هر دو فرقان و مفصل و دارای حکم و شریعت و امام و رحمة هستند و تمایزاتی دارند از جمله اینکه قرآن تحریف نشده و تورات تحریف شده است.

نقوی با بیان اینکه مفسران برای حل این مسئله به این فکر افتادند که بگویند دو تورات داریم که یکی اصلی است و دیگری محرف، اظهار کرد: از این منظر، می توانیم نور و برهان و فرقان را به توراتی نسبت دهیم که تحریف نشده و اگر در قرآن تورات تصدیق شده است، مراد تصدیق همان تورات اصلی است و اگر در جایی سخن از تحریف تورات است، مراد تورات فعلی است. البته تعبیر مصدقا لما معکم (وَأَمِينُوا بِمَا أَنْزَلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰئِكَ كَافِرٍ بِهِ ۗ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَآيَاتِي فَاتَّقُونِ) را برخی بر این گرفته اند که ناظر به همین تورات فعلی و محرف است. لذا در توجیه آن گفته اند این تصدیق فی الجملة است؛ یعنی برخی مطالب تورات فعلی که تحریف نشده مراد قرآن است. تصدیق قرآن نسبت به برخی مطالب تحریف نشده تورات

استاد مؤسسه امام خمینی با بیان اینکه در آیات قرآن فقط تصدیق نسبت به تورات را شاهدیم، ولی نسبت به زبور و انجیل و کتب دیگر شاهد نیستیم، گفت: قرینه هم مبنی بر اینکه بین تورات اصلی و محرف را متمایز کند نداریم. علامه طباطبایی می گوید قرآن همین تورات موجود را تصدیق کرده و فرموده است که در آن حکم الله و نور و هدایت و فرقان است، ولی این تصدیق فی الجملة است و نه بالجمله یعنی قرآن قصد دارد بخشی از تورات را که مطالب غیر تحریف شده دارد تأیید کند.

وی افزود: تورات هر طور که باشد چون نژادی و بنی اسرائیلی است قرآن همه آن را قطعا تصدیق نمی کند و آن بخشی را تصدیق کرده که تحریف نشده است یعنی تصدیق فی الجملة است؛ علامه طباطبایی هم تورات را دوگانه پنداشته است که اشاره شد و معتقد است تورات موجود هم مورد تصدیق قرآن کریم است. ایشان همچنین معتقد است که توراتی که در دوره پیامبر(ص) بوده است و مورد تصدیق قرآن واقع شده است عینا همین تورات امروزی است (والقرآن یقوم التورات الاحاصره). از منظر علامه، قرآن به تورات موجود قوام می دهد بنابراین قرآن به همراه تورات کتاب هدایتی هستند که هیچ کتابی بالاتر از آن نیست و تورات بدون قرآن کریم هیچ ارزشی ندارد، ولی اگر قرآن مهیمن او باشد معتبر است. لذا می گوئیم تورات تقریباً شبیه روایات است. آیت الله مصباح یزدی و آیت الله جوادی آملی هم تصدیق فی الجملة را پذیرفته اند. آیت الله جوادی آملی می فرماید که می توانیم تورات و انجیل محرف را به قرآن عرضه و برای تشخیص حقانیت آن به قرآن مراجعه کنیم و اگر در مخالفت با قرآن نباشد معتبر است. فقط یک تورات داریم

وی با بیان اینکه درصدد اثبات این موضوع هستیم که ما تورات و انجیل اصلی و فرعی نداریم و تورات فعلی یگانه تورات است، افزود: اگر تمامی آیات مرتبط را به صورت منسجم بررسی کنیم، خواهیم دید قرآن از یکسو فرموده است که این تورات کم و اضافه و تحریف شده است و از طرف دیگر آن را تصدیق می کند. تورات، انجیل، زبور و قرآن را بررسی کردیم و دیدیم در قرآن به صابنین و

زرتشتیان کتابی استناد نشده است، ولی قرآن کریم در مورد خودش و کتاب موسی، مطالب زیادی بیان کرده است؛ چندین مرتبه از تعبیر کتاب و صحف و لوح موسی نام برده است. لذا در هر جای قرآن واژگان «کتاب» و «الکتاب» دیدیم اگر قرینه به موضوع دیگری نباشد، مراد همین قرآن و تورات است.

نقوی با بیان در تعبیر «یا یحیی خذ الکتاب» هم مراد از الکتاب همین تورات است و در مورد حضرت عیسی هم که فرمود «آتانی الکتاب» مراد تورات است و کتاب هارون هم همان کتاب موسی بوده است، اظهار کرد: چند شاهد آوردیم که خدا به این دو کتاب اهتمام ویژه و زیادی دارد مثلاً در مورد قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که ما را به تدبیر و قرائت آن الزام کرده است همچنین فرموده است این دو کتاب (قرآن و تورات) به ارث می رسند: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْثَرْنَا بَيْنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ»؛ علامه طباطبایی در ذیل این آیات تصریح دارد که مراد این است که کتاب تورات تا روز قیامت در بین پیروانش خواهد ماند. شاهد دیگر هم این است که یکسری ویژگی های مشترکی بین قرآن و تورات وجود دارد مانند فرکان بودن و تفصیل لکی شیء. تعبیر جالب دیگر که از زبان کفار بیان شده این است که ما به این دو کتاب ایمان نمی آوریم. «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ يَا فِي سوره قصص آیه ۴۸؛ قَلَمًا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ»؛ علامه تصریح کرده است که مراد از «سحران» که کفار گفته اند، تورات و قرآن است.

تورات ربطی به موسی(ع) ندارد

نقوی تصریح کرد: اهتمام قرآن کریم به این دو کتاب نشانه باقی ماندن این دو کتاب تا قیامت است؛ حال توراتی که یهودیان می گویند آیا ۵ سفر اول است یا به مجموعه عهد عتیق هم گفته می شود؟ اندیشمندان جهان با تحقیقاتی که داشته اند می گویند نمی توان عهد عتیق حتی ۵ سفر اول را به حضرت موسی(ع) نسبت دهیم. قرآن فرموده است کتاب موسی باید تا قیامت بماند؟ ۱۸ بار نام تورات و ۱۲۶ بار نام موسی در قرآن آمده، ولی یکبار این دو (موسی و تورات) در کنار هم نیامده است. بنابراین تورات هیچ ارتباطی با موسی(ع) ندارد و این طور نیست که مستقیماً تورات را از خدا گرفته باشد.

وی تاکید کرد: قرآن فرموده است باید کتاب موسی باقی بماند ولی الان در بین ما کتابی با عنوان کتاب موسی، الواح موسی و یا صحف موسی نداریم و فقط آنچه باقی است تورات است و تورات هم قابل انتساب به موسی(ع) نیست. بنابراین موسی سه چیز (لوح و کتاب و صحف) را آورده و آن را به یوشع یعنی پیامبر بعدی سپرده و او به پیامبر بعد و هر کدام چیزی بر آن افزودند و این معارف وحیانی در قالب تورات جمع شده، ولی چون ضمانت وحیانی برای حفظ نداشته است بشر هم در آن دست برد و تحریف شد؛ مردم به این مجموعه تورات گفتند و قرآن این نام را برای آن انتخاب کرد، چون مردم به آن تورات گفته اند.

استاد مؤسسه امام خمینی(ره) با طرح این پرسش که آیا صحف و الواح می تواند بخشی از تورات باشد، این مسئله دور از ذهن نیست، اظهار کرد: فقط قرآن کریم ضمانت حفظ دارد و معجزه است و تحدی دارد. لذا نباید تصور کنیم که تورات هم باید مانند قرآن کریم باشد؛ قرآن وظیفه دارد که کتب پیشین را اصلاح کند لذا مهیمن بر آنان است. بر این اساس قرآن فرموده است: «قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ يُبَدُّونَهَا وَيُخْفُونَ كَثِيرًا»؛ و آنها خدا را آن گونه که باید، نشناختند که گفتند: خدا بر هیچ کس از بشر کتابی نفرستاده. بگو کتابی را که موسی آورد و در آن نور (علم) و هدایت خلق بود چه کسی بر او فرستاد که شما آیات آن را در اوراق نگاشته، بعضی را آشکار می کنید و بسیاری را پنهان می دارید و آنچه را شما و پدرانتان نمی دانستید به شما آموختند؟ بگو: خداست (که رسول و کتاب فرستاد)، سپس آنها را بگذار تا به بازیچه خود فروروند.